

دچار سردرگمی شود، اما در نهایت، بر اساس گفت‌وگوهایی که با تماشاگران داشته‌ام، برداشت کلی آنان از اجرا بسیار به آنچه ما قصد انتقالش را داشتیم نزدیک بوده است.

در لحظاتی از اجرا فرم چنان از قصه پیشی می‌گیرد که تصور می‌شود با اثری فرمالیستی روبرو هستیم اما در ادامه بُعد روان‌شناختی است که پررنگ‌تر می‌شود. اگرچه در این اجرا استفاده از ماسک‌ها توجه زیادی جلب می‌کند اما اینکه سعی شده از طریق فرم، ابعاد کابوس‌وار و تنش‌های روانی شخصیت آشکار شود به فرم اجرایی بداعت بخشیده است.

لرزوما وجود فرم در یک اجرا، آن را فرمالیستی نمی‌کند. اگر بپذیریم تمام شخصیت‌ها در پس نقابی قرار دارند و از زاویه دید کاراکتر اصلی روایت می‌شوند، در آن صورت می‌توانیم برای حرکات و رفتارها نیز منطقی بیابیم. هر چند تلاش برای یافتن منطق تک‌تک جزئیات همواره ضروری نیست، اما گرایش من به سمت فرم و حرکت به دلیل آن بود که بتوانم گسست‌ها و مقطع بودن زمان را هرچه آشکارتر نشان دهم. همواره در ذهن من تناظر مجموعه‌ای از قاب‌های زیباست. به گونه‌ای که اگر هر لحظه از اجرای من را همچون یک فیلم متوقف کنید، می‌توانید یک قاب کامل و چشم‌نواز مشاهده کنید. برای من بسیار جذاب است که مخاطب در هر لحظه بتواند با قاب‌هایی زیبا روبرو شود. در اجراهای اخیر نیز عکاسان متعددی حضور داشتند و حجم بالای تصاویر چشم‌نواز از این نمایش برای خود من هم باورکردنی نبود. همین ویژگی به مخاطب نیز این امکان را می‌دهد که حتی اگر نتوانست خط داستانی را به‌طور کامل دنبال کند، با اتصال فرم‌ها به یکدیگر به نتیجه‌ای معنادار برسد. ما اجرا را با فرم‌های نرم آغاز می‌کنیم و هرچه به پایان نزدیک‌تر می‌شویم، فرم‌ها شکسته‌تر، منقطع‌تر و خشن‌تر می‌شوند. این روند با سیر روایی داستان نیز هماهنگ است.

سخن پایانی

مایلم از مخاطبان دعوت کنم در فرصت باقی‌مانده به تماشای این اجرا بنشینند. متأسفانه به دلیل برنامه‌های مناسبتی هفته‌ی دفاع مقدس، امکان تمدید اجرا برای ما فراهم نخواهد بود. این موضوع برای گروه ما بسیار تلخ است. زیرا توافقی ما با مجموعه‌ی مولوی اینگونه نبود. از همین‌رو مخاطبان عزیز، همچنین از هنرمندان دیگر حوزه‌ها، مانند مجسمه‌سازی، نقاشی، ادبیات نمایشی و شعر، و نیز علاقه‌مندان به آثار سورئالیستی دعوت می‌کنم که به تماشای نمایش ما بیایند. به باور من دیدن این اثر می‌تواند آورده‌ای هر چند اندک برای آنان داشته باشد. مخاطبان تئاتر هم که همواره همراه ما بوده‌اند و قدمشان روی چشم ماست. خاصیت تئاتر در این است که مستقیم‌ترین شیوه‌ی مواجهه با مخاطب را دارد. وقتی تماشاگر بیاید، نمایش را ببیند و پس از آن درباره‌اش صحبت کنیم، اتفاق‌های جذاب‌تر و عمیق‌تری رخ خواهد داد.



مسعود محمدی
بازیگر:

از خود متن می‌توان به شخصیت ولایه‌های آن دست یافت

چطور به این پروژه ملحق شدید و آیا با آقای مظفری پیش‌تر از این همکاری داشتید؟
خیر، من پیش‌تر با آقای مظفری همکاری نداشتم، اما با دکتر دلخواه، که از اساتید هر دو می‌محسوب می‌شوند، کار کرده بودم و از طریق ایشان با آقای مظفری آشنا و به این پروژه ملحق شدم. در جریان جلسات دورخوانی، نقش‌ها انتخاب شدند و آقای مظفری نیز تعیین کردند که هر یک از ما، کدام نقش را ایفا کند.

در برخورد اولیه نظراتان نسبت به کاراکتر پدر چه بود و در پرداخت به آن به چه مولفه‌هایی بیشتر توجه کردید؟

زمانی که نقش به من پیشنهاد شد و متن را مطالعه کردم، قادر بودم شخصیت و ویژگی‌های او را تصور و تحلیل کنم تا در فیزیک و بازی‌ام این ویژگی را به نمایش درآورم. البته سبک متن آقای مظفری به گونه‌ای است که خود راهنمایی‌هایی به بازیگر ارائه می‌دهد و المان‌هایی را برای تمرکز بیشتر روی کاراکتر، در اختیار بازیگر می‌گذارد. بدین ترتیب، از خود متن می‌توان به شخصیت و لایه‌های آن دست یافت. طی مدت تمرین و در تعامل با سایر بازیگران، ارتباط و هم‌آوایی با شخصیت‌ها شکل گرفت و این فرآیند باعث شد تا هر یک از ما به کاراکتر خود نزدیک‌تر شویم.

تقریباً در تمام طول اجرا، ماسک بر صورت دارید. این موضوع باعث می‌شود ارتباط از طریق میمیک چهره به حداقل برسد و در عوض تمام بار انتقال احساس بر عهده‌ی صدا و بدن باشد. این وضعیت چه چالش‌هایی برای شما ایجاد می‌کرد؟

در ابتدای تمرین‌ها، استفاده از ماسک برای ما واضح نبود و بعدها قطعی و به ما اعلام شد به همین دلیل من در طول تمرین‌ها خیلی از میمیک چهره‌ام استفاده می‌کردم. اما زمانی که ماسک بر صورت ما قرار گرفت، متوجه شدم که استفاده از میمیک دیگر ممکن نیست. مجبور شدیم انتقال حس را از طریق بدن ایجاد کنیم. پیرو همین مسئله حرکات پررنگ‌تر و پرجزئیات‌تر شدند و همین‌طور که تمرینات بیشتر می‌شد، تنوع حرکات نیز بالاتر می‌رفت هر بار روی این مسئله بیشتر فکر می‌کردیم و تمرینات را در منزل و حتی در مسیر رفت و آمد انجام می‌دادیم تا بتوانیم انتقال احساس را از طریق بدن و بیان به‌طور کامل به مخاطب منتقل کنیم.

اطلاع از فلسفه و سبک اثر چه تاثیری بر بازی نقش‌ها داشت؟

طبیعی است که اطلاع از سبک کار، نحوه‌ی بازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ما باید می‌دانستیم چه سبک

کاری در پیش داریم تا بتوانیم هماهنگ با آن عمل کنیم. با این حال، تصویر کلی اثر و ریز جزئیات در ذهن کارگردان شکل گرفت و ما روز اول اجرا بسیاری از این جزئیات را درک کردیم. زمانی که نور، لباس و موسیقی با هم ترکیب شد، تصویر نهایی ذهنیت کارگردان برای ما کامل شد. در واقع، ما پیش‌زمینه‌ای از اجرا داشتیم، اما تصویر کامل تنها در روز اجرای اول با تکمیل همه المان‌ها، شامل نور، لباس و دکور، برای ما روشن شد و با تکمیل این تصویر لذتی دو چندان بردیم.



بهمن صنیعی
ساخت ماسک:

ماسک‌ها اثر عمیقی بر مخاطب می‌گذارند

همکاری شما در خصوص طراحی و ساخت ماسک‌ها با آقای مظفری، چگونه پیش رفت؟

در ابتدا نوع نمایش و موضوع کار از ایشان دریافت شد تا با توجه به متن و سبک اجرایی، طرح اولیه ماسک‌ها شکل گیرد. پس از دریافت توضیحات و جزئیات از کارگردان، من طرح اولیه ماسک را روی کاغذ طراحی کردم و سپس ماکت آن را با گل یا خمیر مجسمه‌سازی ساختم. عکس ماکت برای کارگردان ارسال شد و ایشان نظر خود را بیان کردند و این فرآیند تا رسیدن به نتیجه نهایی تکرار شد. خوشبختانه به علت وجود آپ‌های ارتباطی حضور فیزیکی کارگردان در تمام مراحل لازم نبود و بازخورد به صورت تصویری و مرحله به مرحله دریافت می‌شد. در نهایت، پس از توافق کلی بر روی شکل و فرم ماسک، جزئیات نهایی اجرا شد.

محدودیت‌هایی که ماسک ایجاد می‌کند نیز در همین روند رفع می‌شود؟

بله، محدودیت‌های هر ماسک بر اساس نقش بازیگر مشخص می‌شد. برای مثال، باید بررسی می‌کردیم که آیا بازیگری که قرار است از ماسک استفاده کند دیالوگ دارد یا نه تا تصمیم بگیریم که دهن ماسک بسته باشد یا اینکه اساساً بهتر است از نیم ماسک استفاده شود و... تا این امر به اجرای نقش آسیبی نرساند. این روند طراحی دقیق و مرحله‌ای امکان می‌دهد تا ماسک‌ها به بهترین شکل ممکن با شخصیت‌ها و سبک اجرایی نمایش هماهنگ شوند و در عین حال با نیازهای بازیگر نیز سازگار باشند.

ماسک‌های نهایی که در این نمایش می‌بینیم از چه متریالی ساخته شده‌اند؟

این ماسک‌ها از متریال پارچه و چسب ساخته شده‌اند و بسیار مقاوم هستند. این ترکیب به گونه‌ای است که ماسک‌ها در برابر پرتاب یا فشارهای معمول آسیب نمی‌بینند. در صورتی که فشار زیادی به ماسک وارد شود، ممکن است کمی تغییر حالت

دهد، اما این تغییرات قابل ترمیم است و می‌تواند ماسک را دوباره به حالت اولیه بازگرداند. البته با رعایت اصول نگهداری، ماسک‌ها می‌توانند برای ۶۰ تا ۱۰۰ اجرای متوالی بدون مشکل استفاده شوند. برای این منظور، باید ماسک‌ها پس از هر اجرا، روی ماکت‌های یونولیتی منظم و مرتب نگهداری می‌شوند تا برای اجرای بعدی آماده باشند.

چرا در سال‌های اخیر، استفاده از ماسک در نمایش‌ها افزایش یافته است؟ در دهه‌های گذشته، این ابزار بیشتر در تئاتر عروسکی مورد استفاده بود، اما اکنون در سبک‌های دیگر نمایشی نیز مشاهده می‌شود.

دلیل این روند علاوه بر تنوع سبک‌های تئاتری، اثر عمیق و جذابیت خاصی است که ماسک بر مخاطب می‌گذارد. استفاده به‌جا و به موقع از ماسک، همراه با نورپردازی، دکور و موسیقی مناسب، باعث می‌شود هدف نمایشی بهتر به مخاطب منتقل شود و تأثیرگذاری نمایش افزایش یابد. در بسیاری از تئاترهای جهان، به ندرت نمایشی را می‌توان یافت که از ماسک استفاده نکرده باشد. ماسک‌ها به ویژه در حرکت‌های گروهی و موزون، اثر قابل توجهی بر درک مخاطب دارند و می‌توانند جذابیت بصری و نمایشی را به شدت افزایش دهند. حتی در نمایش‌های رئالیستی، کارگردانی که به اهمیت ماسک پی برده‌اند، در بخش‌های رویا و خواب یا بخش‌هایی که بنا بر سبک اجرایی اجازه استفاده از ماسک را به آنها می‌دهد، از آن بهره می‌برند تا اثرگذاری صحنه بر مخاطب تقویت شود.

ورود شما به دنیا طراحی و ساخت ماسک به چه صورت بوده است؟

من افتخار می‌کنم که شاگرد خانم دکتر مهین میهن بودم. ایشان استاد من بودند و دوره‌های گرم و واحدهای ساخت ماسک را به ما آموزش دادند. من از همان ابتدا نقش برجسته و کارهای حجمی علاقه‌مند بودم و بیش از سی سال است که در این عرصه فعالیت می‌کنم. از همان ابتدا که جذب ساخت ماسک شدم، سعی کرده‌ام در این حوزه تجربه‌اندوژی و تجربیات به دست آمده را یادداشت کنم تا در آینده بتوانم آن‌ها را به دانشجویان منتقل کنم.

با توجه به هزینه‌ها به نظر می‌آید که در ساخت ماسک‌ها با محدودیت‌هایی روبرو هستید؟

بله شخصاً با توجه به محدودیت متریال در ایران، همواره سعی کرده‌ام از مواد ساده و در دسترس استفاده کنم و از مواد پیچیده بهره نبرم. اگرچه در کشورهای دیگر متریال‌ها و ابزارهای پیشرفته‌تری وجود دارد که روند ساخت ماسک را بسیار سریع و آسان می‌کند، اما در ایران این مواد یا در دسترس نیستند یا هزینه بالایی دارند که استفاده از آن‌ها برای تولید تئاتری مقرون به صرفه نیست. بنابراین، من تمرکز خود را بر استفاده از مواد ساده و کم‌هزینه گذاشته‌ام تا ماسک‌ها با حداقل هزینه ساخته شوند و کار امکان اجرا داشته باشد. در این مسیر، تلاش کردم روش‌هایی پیدا کنم که با حداقل امکانات، بهترین نتیجه حاصل شود.

